

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بار دیگر هشدار می دهیم، حاکمیت در هر لباسی که باشد (نظامی ، امنیتی، روحانی و یا هر شکل دیگر) تا دارای پایگاه ملی مردمی نباشد و دموکراسی را باور نداشته باشد و بر اصل تعامل منطقی با جهان تکیه نکند، قادر بر نجات میهن از بحرانهای فزاینده نخواهد بود

می شود چون دادگاه و یا شخصیت عادلانه ای یافت که او را شکایت برد و از خداوند منان داوری و پاری طلبید؛ ولی هیچیک تأثیری در نتایج از پیش تعیین شده نگذاشتند. حکم ریاست جمهوری صادر شد و آقای احمدی نژاد وزرای خود را به مجلس مورد قبولش معرفی کرد. هیات دولت از تعدادی فرماندهان سپاه و سپاه که از مدیریت کلان بی خبرند و شماری مدیران دست سوم و بالاخره برخی چهره های که در همه سالهای بعد از انقلاب به عنوان تجسم کامل خشنوت شناخته شده اند تشکیل یافت. برنامه دولت در قالب "میتاق نامه" که هشت ماده ای که به امضای یک یک وزراء قبل از معرفی آنها به مجلس رسیده مشخص می شود، تعهد و باز هم تعهد به "حکومت اسلامی" بدون اشاره ای به کلمه جمهوریت که در قانون اساسی مورد قبول حاکمان آمده است و بازگشت به اهداف صدر انقلاب!

فردای روزی که حکم رئیس جمهوری به نام آقای احمدی نژاد صادر شد تعهدی به او گواها رسید که او منتخب قریبان و پروریش در نتیجه قیام گروه های فقیر علیه ثروتمندان است! اصول گرایان و محافظه کاران سنتی آنرا ایدئولوژی جدیدی تعبیر کردند. در اینجا فرصت پرداختن و تجزیه و تحلیل آمار وزارت کشور در مناطق خلف ایران نیست، ولی نظری اجمالی بسادگی بیانگر این واقعیت است که آقای احمدی نژاد در مناطق فقیرنشین و عقب نگه داشته شده، کمترین رأی را کسب کرده اند و اگر بیازد میلیون آراء محافظه کاران و بازاریان و هیت منزلفه را که در دور دوم به آراء ایشان افزوده شد را بنگریم، چه کسی می تواند مدعی شود که ثروتمندان و صاحبان بازارهای ایران اکثریت این یازده میلیون نباشند؟ برخورد غیر مردمی هوش روزهای نخست با اهداف خشنوت باز مردم شوهاری مهیاب و بوکان، سنجند و اهواز که نشانگر سیمای آزادی سبزه حاکمیت نظامی، امنیتی است و برخورد خشنوت باز با کارگران زحمتکش شرکت و انویوسرانی تهران که خواستار افزایش حقوق تا حد خط فقر هستند و استخراج مفهده کارگر برای اعلام این خواسته ها ادامه در صفحه ۶

در اختیار خود گرفته بود، مجلسی که راه یافتگان به آن با قلب های فاحش انتخاباتی بر ضدلپهای نمایندگی ملت تکیه زده بودند. سرداران و فرماندهان سپاه که گاه و بیگاه در دوران آقای خاتمی با اظهارهای تندی ابراز وجود می کردند، این بار سازمان یافته تر با مصاحبه ای از سوی یکی از این سرداران آآمدگی خود را برای در دست گرفتن مدیریت کشور در تمام سطوح اعلام نمودند. جبهه ملی ایران که قاتن اساسی را فاقد ظرفیت لازم برای انجام انتخابات آزاد در تمام سطوح می بیند بر مکرر مکرر شناخته بود، در اعلامیه های ضمنی شرح اوضاع کشور و جهان رأی مردم را در انتخابات ریاست جمهوری بی اثر دانست و عدم شرکت خود را به آگاهی همگان رساند. و با حضور در کنار گروه های کثیری از فعالان سیاسی، کارمندان، کارگران، معلمین، و کلاهی دادگستری، روزنامه نگاران، دانشجویان و استادان، در دو بیانه معروف ۵۶۵ و ۶۱۳ امضایی به تحلیل شرایط سیاسی پرداخت و انتخابات ترندی برای توجیه اقدامات غیر مردم نظام تلقی نمود و امضا کنندگان بیانه ها انتخابات را نمایشی دانستند که از پیش نتایج آن رقم خورده است.

حاکمیت بدون توجه به واقعیت ها با آوردن چهره های آشنا و ناآشنا بیاندان انتخابات برای بهره بردن از آراء بخشی از مردم که همیشه با تمهیداتی می توان آنها را به پای صندوقها کشید یا به صحنه گذارد. میلیاردها تومان از طریق لابی دیندگان شوری نگهبان خرج تبلیغات انتخاباتی شد که در تاریخ انتخاباتی ایران بی سابقه بوده است. آنچه برای انتخاب شخص بنام رئیس جمهور که قاتن اساسی و ساختار حاکمیت است اساسا از سلب اختیار کرده و شخصیت او را تا سطح یک مجری تصمیم گیرهای دیگران کاهش داده است. در این سناریوی انتخاباتی بیش از سیصد هزار بسیجی و سپاهیان دخالت آشکار داشتند. قلب های معمول صندوقها و..... آنچنان گسترده بود که داوطلبان انتخاباتی سرشناس را یکی به ناله و فغان و نامه نویسی و تمایل به تحسین کشاند و دیگری را که مرد نیز و مند نظام نامیده

شرایط درونی و تحولات جهانی حدود هشت سال پیش، گردانندگان آشکار و نهان حاکمیت در ایران را بر آن داشت تا بمرحله ای نوین پای نهند. انتخابات ریاست جمهوری بگونه ای برگزار شد که ظاهرا با گذشته متفاوت باشد و نوید مردمسالاری و انجام اصلاحات دهد. این اقدام نوری از امید در دل های خسته مردم بجان آمده از استبداد مدید. ولی دیری نپایانید که امیدها به پآس گرائید و شرکت کنندگان در انتخابات در دو دوره چهار ساله سرانجام در ریفاگوی فریب خوردگی های خود شدند. از اصلاحات و خروج از ناپساامانیا و حرکت به سوی دموکراسی جز پوسته ای بدون محتوا نیافتند و راهی برای وصول به آرمانهای خود نتجستند. پآس و بی تفاوتی در امیدواران و ناتوانی در آزادی اصلاح طلبان حکومتی محکوم ما شد. از سوی دیگر محافظه کاران سنت گرا از همان زمانیکه بطور موقت از صحنه برون رفتند در تهیه و تدارک بدست آوردن از دست داده ها و استحکام پایه های قدرت خود بر آمدند. دولت خاتمی در برنامه توسعه سیاسی خواسته و ناخواسته در برابر صاحبان واقعی قدرت در حکومت عقب نشینی کرد و در ماهها و سالهای بعد نتوانست به آنچه اعلام کرده بود دست بیاید. تعطیل دهها نشریه و محاکمه و محکومیت گردانندگان آنها بخشی و نمونه ای از شکست برنامه اعلام شده داخلی آقای خاتمی بود. دیپلمات خارجی نیز که مینتی بر پشت زده ای بود، در برابر اراده همان قدرتی که آمدن خاتمی را اجتناب پذیر کرده بود سر تسلیم فرود آورد و در حالیکه فضای مناسب برای حضور موثر ایران فراهم بود، دو سال آخر را چون فرامیزی مطیع سرگرم سفرهای تشریفاتی و با حضور در جلسات گشتی که خودنیک می دانستند که حضور و عدم حضورشان تأثیری در تصمیمات نخواهد داشت. ایشان در برابر اعتراض مردم و بعضی از یاران نیروشان سرانجام گرفتار: برابر قاتن موجود، رئیس جمهور یک ندادرات چی بیشتر نیست. این گفته زمانی بیان گشت که جناح دیگری از نظام با انتخاباتی غیر آزاد مجلس هفتم را